

انقلاب در قرآن

جاسب نیکفر*

محمد باقری**

چکیده

قرآن کریم، از آنجاکه عهده‌دار هدایت ابناء بشر است، مبانی و اصول تحقق وضع مطلوب در عرصه فردی و اجتماعی را تبیین کرده است. اما انقلاب سیاسی به عنوان روشی که می‌تواند منتج به نیل به مطلوب شود، تاکنون از منظر قرآن مورد مطالعه جدی واقع نشده است. توجه به این مسئله، پرسش پژوهش حاضر درباره مبانی و غایت انقلاب از منظر قرآن را در پی داشت که در پاسخ به آن باید گفت: با آنکه قرآن کریم راهکار و روش خاصی را برای اصلاح جامعه توصیه و تأکید نمی‌کند، ولی از مجموعه شاخص‌ها، روش‌ها و راهکارهایی که ارائه نموده است، می‌توان تحلیل‌ها و رهنمودهایی در مورد آنچه امروز به عنوان انقلاب شناخته می‌شود، استنباط نمود. از این منظر، هدف این مقاله، کشف مبانی بینشی، اجتماعی و اقتصادی وقوع انقلاب سیاسی و چگونگی حصول سرانجام متعالی انقلابات می‌باشد. در این مقاله علاوه بر استفاده از دو روش تطبیق مفهومی و تطبیق مصداقی، روشی که مورد تأکید است، روش تجزیه و بررسی عناصر مفهومی است.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، انقلاب سیاسی، توحید، حکومت اسلامی.

j.nikfar@yu.ac.ir

mohamadbaghery@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲

* عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج.

** دانشجوی دکتری دانشگاه یاسوج.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۶

طرح مسئله

در آیات قرآن اهداف متعددی برای نزول این کتاب مقدس بیان شده است که تشخیص هدف اصلی و تفکیک آن از دیگر اهداف و توضیح کیفیت رابطه میان آنها، موجب اختلاف مفسران و دانشمندان علوم قرآن است. بر اساس برخی آیات، به نظر می‌رسد هدف اصلی قرآن هدایت به راه مستقیم است و دیگر اهداف، در پرتو این هدف شکل گرفته‌اند. (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۱)

إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ. (تکویر / ۲۸ - ۲۷)

قرآن یادنامه‌ای برای جهانیان است، کسانی از شما که بخواهند استوارتر و پابرجاتر باشند. يَا إِنَّ هَذَا الْقُرْآنُ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. (اسراء / ۹)
این قرآن به آنچه پابرجاتر و استوارتر است، هدایت می‌کند.

بنابر این نگرش، ارسال قرآن در راستای هدایت انسان از وضع نامطلوب موجود به وضع مطلوب بوده است. نقطه مطلوب، رسیدن به سعادت و خوشبختی و فرار از شوربختی و شقاوت است. لازمه رسیدن به سعادت، کمال و دوری از نقص است. تلاش علمی، تجربی، عقلانی و شهودی، مرز کمال فردی و اجتماعی بشر و راه دستیابی به کمال است.

همچنین بر مبنای این نگرش، تنوع اهداف در قرآن با ابعاد گوناگون هدایت و راهنمایی از وضع نامطلوب به سمت وضع مطلوب ارتباط دارد. انسان در مورد ظرفیت‌های عقلی، روحی و معنوی خود و نحوه تواناسازی، بازسازی و اصلاح آنها نیاز به راهنمایی دارد؛ همچنین درباره جامعه و انواع محیط‌های انسانی که بر او تأثیر می‌گذارند یا وی در آنها تأثیرگذار است، نیاز به راهنمایی دارد. در مورد طبیعت و دنیایی که مشاهده می‌کند و عوالم یا موجودات ناشناخته‌ای که می‌توانند بر کمال و سعادت یا نقص و شقاوت او مؤثر باشند، نیاز به دستگیری، راهنمایی و هدایت دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. (ابراهیم / ۱)

کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری؛ به سوی آن شکست‌ناپذیر ستوده.

پرسش مقاله حاضر درباره پدیده سیاسی - اجتماعی انقلاب است؛ پدیده‌ای که تأثیراتی گسترده بر زندگی اجتماعی و حتی فردی انسان، در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... برجای می‌گذارد. به بیانی دیگر، این مقاله در پی آن است که مختصات انقلاب اسلامی را از آیات قرآن کریم استخراج نماید و از این مسیر، به چرایی و چگونگی خروج از وضع نامطلوب و ورود به وضع مطلوب از منظر قرآن دست یابد. البته برخی،

پرسش از قرآن درباره مباحث مستحدثه و نوین را با شبهه مواجه ساخته‌اند. به باور این عده، پدیده‌ای به نام انقلاب، مقوله‌ای است جدید و متأخر که پیشینه مفهومی و موضوعیت آن در علوم سیاسی و اجتماعی به سده‌های اخیر بازمی‌گردد و حال آنکه قرآن کریم کتابی است که بیش از ۱۴ قرن قبل نازل شده است و لذا نمی‌توان انتظار داشت که قرآن کریم مطلبی در این زمینه بیان کرده باشد. پاسخ به این شبهه در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به وضوح مورد اشاره واقع شده است:

مَنْ أَرَادَ عِلْمَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَلْيَتَوَرَّ الْقُرْآنَ. (الطبرانی، بی تا: ۹ / ۱۳۵؛ الهیثمی، ۱۹۶۷: ۷ / ۱۶۵)

هر که خواهان علم پیشینیان و آیندگان، از اول تا به آخر دنیا است، در قرآن کاوش و تأمل کند.

بر این اساس، از آنجاکه قرآن کریم عهده‌دار هدایت انسان‌ها است و این هدایت مستلزم آگاهی، ایمان و عمل به آموزه‌های دینی و وحیانی است، باید در عرصه فردی و اجتماعی، مبانی و اصول تحقق وضع مطلوب را تبیین کرده باشد. از این رو قواعد و چگونگی تحولات اجتماعی عمیق و بنیادین نظیر انقلاب و الگوها و راهکارهای کلان و نیز غایات و آثار و نتایج آن را می‌توان از آموزه‌های قرآن انتظار داشت. گرچه قرآن کریم به راهکار و روش خاصی در راستای اصلاح جامعه اشاره نمی‌کند، اما می‌توان شاخص‌ها، روش‌ها و راهکارهایی را از قرآن کریم استنباط و استخراج نمود که در مورد آنچه که امروزه انقلاب خوانده می‌شود، راهگشا و هدایت‌گر باشد.

روش و تمهیدات نظری

در پژوهش حاضر، در راستای استنباط و استخراج مباحث قرآن درباره انقلاب، روش تجزیه و بررسی عناصر مفهومی، مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. در روش تجزیه و بررسی عناصر مفهومی، در آغاز، عناصر اصلی مفهوم انقلاب و پیش‌نیازهای تحقق آن را بررسی و تبیین نموده، سپس به بررسی دیدگاه قرآن و نیز بررسی کارکرد و نقش آموزه‌ها و معارف قرآنی برای تحلیل و تحقق عینی انقلاب می‌پردازیم. در راستای تدقیق و تعمیق عناصر مفهومی مرتبط با انقلاب در قرآن و در راستای کشف عناصر اصلی مفهوم انقلاب، از دو روش تطبیق مفهومی و تطبیق مصداقی نیز سود خواهیم برد. در روش تطبیق مفهومی، مفاهیمی مورد بررسی قرار می‌گیرند که یا مطابق با مفهوم انقلاب باشند و یا به واسطه قرار گرفتن در دایره مفهومی انقلاب، به نوعی توضیح‌دهنده جزئی از این پدیده باشند. از آنجاکه انقلاب به معنای امروزی آن در قرآن موجود نیست، تطبیق مفهومی، به آن دسته از مفاهیمی که به نوعی توضیح‌دهنده و یا تبیین‌کننده هر مرحله و یا هر جزئی از مفهوم انقلاب باشند، خواهد پرداخت.

در روش تطبیق مصداقی نیز، با استنباط و تکیه بر یک یا چند عنوان کلان متناسب با مفهوم انقلاب، انقلاب را به عنوان یکی از مصداقی آن عنوان تلقی کرده و با بررسی دیدگاه قرآنی، آن عناوین مورد تحلیل واقع می‌شود.

بر این اساس می‌توان روش این پژوهش را ترکیبی از سه روش تطبیق مفهومی، تطبیق مصداقی و تجزیه و بررسی عناصر مفهومی دانست که به نظر می‌رسد این روش ترکیبی بتواند نگاه قرآنی را به گونه‌ای جامع و عمیق در باب انقلاب ارائه دهد. در این راستا، ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب بررسی می‌گردد. پس از پرداختن به واژه انقلاب در قرآن، به ترتیب زمینه‌های بینشی، اجتماعی و اقتصادی که انقلاب را در پی دارند و به بیانی دیگر می‌بایست به همراه داشته باشند، بیان می‌شود. پس از این مباحث، غایت انقلاب قرآنی ارائه شده و در نهایت آسیب‌هایی که ممکن است حین و یا پس از انقلاب شکل واقع یابند، از منظر قرآن ارائه می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

انقلاب، به معنای مصطلح سیاسی و جامعه‌شناختی معاصر، معادل فارسی کلمه Revolution است که معادل مفهومی آن در زبان عربی، الثورة می‌باشد. (نوروزی، ۱۳۸۳: ۲۵۱) واژه ثوره به معنای زیر و رو شدن و دگرگون شدن است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۲۳۸) که به لحاظ مفهومی شبیه به مفهوم انقلاب است. در زبان عرب، ریشه لغوی انقلاب، قلب است به معنی واژگونی و دگرگون شدن. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۱۷۲ - ۱۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۹: ۱ / ۶۸۵) قلب بیش از ۱۳۰ بار در قرآن کریم به صیغه مفرد یا جمع و یک‌بار هم به صورت تشبیه به معنی کانون احساس اراده و مرکز معرفت‌های عمیق آدمی به کار رفته است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۳۸ - ۲۳۰) به جز این، مشتقات انقلاب، در قرآن به معنای لغوی خود استعمال شده است: گاه به معنی تغییر و دگرگونی تکوینی و گاه به معنی واپس‌گرایی و عدول از بینش و ارزش‌های الهی و متعالی. (بقره / ۱۴۳: آل عمران / ۱۲۷ و ۱۴۴ و ۱۴۹؛ اعراف / ۱۲۵؛ شعرا / ۵۰؛ زخرف / ۱۴؛ انشقاق / ۹؛ طالقانی، ۱۳۶۰: ۵ / ۳۶۴)

در تعریف انقلاب به عنوان یک امر اجتماعی و سیاسی و تبیین عناصر اصلی این مفهوم، توافق نظر کامل وجود ندارد. (محمدی، ۱۳۶۵: ۳۶) اما شاخص‌هایی نظیر تغییر ساختار اجتماعی، دگرگونی نهادها، تغییرات در صورتبندی رهبری، انتقال غیر قانونی یا ضد قانونی قدرت و حضور یا حاکمیت رفتار خشونت‌آمیز، به عنوان مبانی و اصول تئوریک انقلاب قابل استخراج می‌باشند. (جعفرپور، ۱۳۹۰: ۹۰)

برخی اندیشمندان، انقلاب را تحول ناگهانی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... تفسیر کرده‌اند. (محسنی، ۱۳۶۳: ۴۷۹) در تعریفی دیگر، انقلاب، حرکتی مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی دانسته شده است. (محمدی، ۱۳۶۵: ۳۸ - ۳۷) همچنین انقلاب، عصیان و طغیان مردم علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب تعریف شده است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۹) در برخی از تعاریف هم با توجه و ملاحظه نتیجه حرکت و قیام، انقلاب به معنی فروپاشی نظم سیاسی موجود (فراتی، ۱۳۷۹: ۱۱۱) توصیف شده و به همان معنی لغوی دگرگون شدن و تبدیل شدن به موجود دیگر

تعریف شده است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰۶) در تعریف انقلاب می‌توان از واژه اصلاح سود جست. انقلاب و اصلاح بنابر تعاریف موجود در علم سیاست، با یکدیگر متفاوتند. آنچه که درباره مفهوم اصلاح در فرهنگ اسلامی بدان اشاره شده است، تقابل آن با فساد است. چنین نگرشی، از اصلاحات، تغییرات بنیادین در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را طلب می‌نماید؛ به تعبیر مطهری، اصلاح، تحولی بنیادین، ثمربخش و اسلامی در نظامات مدنی و اجتماعی، در فکرها و اندیشه‌ها و روح‌ها و ضمیرها و قضاوت‌ها و در ساخت جامعه از نظر نظامات و مقررات حاکم طبق الگوهای اسلامی است. (مطهری، ۱۳۸۱: ۷۰ - ۶۹) اما چنین نگرشی به رویکرد اصلاحی، به سبب آنکه غایتش حذف فساد است، ممکن است جهت حصول اصلاحات به «انقلاب» نیز متشبث شود. چنین نگرشی به اصلاحات که انقلاب را نیز در بر می‌گیرد، در آموزه‌های اسلامی مورد تأیید قرار دارد. چه آنکه بسیاری، انقلاب ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام را حرکتی اصلاحی تلقی می‌نمایند. با این همه، آنچه که در مورد اصلاح از منظر علم سیاست، جزئی از خصایص آن محسوب می‌گردد، عدم گرایش به رویکرد انقلابی است. از این منظر اصلاح عبارت است از هواداری از سیاست تغییر زندگی یا اقتصادی یا سیاسی، اما با روش‌های ملایم و بدون شتاب، بهبودخواهی از نظر کلی در برابر ارتجاع و محافظه‌کاری از سویی، و انقلاب‌خواهی از سوی دیگر. (آشوری، ۱۳۸۳: ۷۲)

واژه انقلاب در قرآن

انقلاب به معنای مصطلح آن، در آیات قرآنی به کار نرفته است و در تفاسیری که به انقلاب اشاره و پرداخته شده است، انواع مختلفی از انقلابات مطرح شده است که غالباً با معنای مصطلح انقلاب هم معنا نمی‌باشد؛ نظیر انقلاب نفسانی و روحی (طالقانی، ۱۳۶۰: ۱ / ۲۲۴، ۵ / ۳۶۴؛ قرائتی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۱۵، ۵ / ۱۳۹)، انقلاب طبیعی (طیب، ۱۳۷۸: ۹ / ۵۴۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۷۶: ۴ / ۳۷)، انقلاب فرهنگی (قرائتی، ۱۳۷۴: ۲ / ۲۰۵، ۵ / ۲۴۹)، انقلاب اجتماعی و علمی (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۵۳) و انقلاب ارزشی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۸ / ۱۱۴). اما تعدادی از مفسرین معاصر که غالباً شیعه نیز هستند، بعضی مباحث مطرح شده در قرآن را تعبیر به انقلاب در معنای مصطلح آن نموده‌اند که از آن جمله است رویکرد حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعون (اعراف / ۱۰۴، سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۳۴۶؛ اعراف / ۱۰۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۲۰۲؛ اعراف / ۱۳۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۳ / ۴۳۰، خروج اصحاب کهف (کهف / ۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۶۴) و ظهور حضرت مهدی علیه السلام. (توبه / ۳۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۷ / ۳۸۴)

زمینه‌های بینشی انقلاب قرآنی

در متن قرآن کریم، آیات صریح و برجسته‌ای وجود دارد که زمینه‌های نظری و پشتوانه‌های اعتقادی انقلاب

و مبارزه را برای تحول جامعه، فراهم و تأمین می‌سازد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین این عناصر، نگرش توحیدی و اعتقاد به یگانگی مبدأ هستی و منشأ مطلق فیض در نظام هستی است. بر این اساس، انقلاب پیامد توحید است (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۲۱۸) و اسلام مترادف با انقلابی توحیدی است. (طالقانی، ۱۳۶۰: ۵ / ۲۵۷؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۳۸۲، ۳ / ۲۲۸)

آیه ۳۰ سوره فصلت «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» بر این موضوع اشاره دارد که به واسطه توحید، ربوبیت از غیر خدا کاملاً نفی شده و هیچ عاملی جز خداوند متعال، دارای نقش حقیقی و مستقل در جهان هستی - و از جمله در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان - نمی‌باشد و زمام همه امور به دست خداست. بنابراین، یک فرد یا جامعه مؤمن، با تکیه بر این تنها پشتوانه حقیقی و جدی، در راه تحقق اهداف الهی، مبارزه و استقامت می‌کند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۲۱۹) همچنین اعتقاد به توحید می‌تواند انقلاب بر کل حاکمان زمینی و غیر الهی و تمرد از تمامی طاغوت‌ها را در پی داشته باشد. (توبه / ۱۲۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۳ / ۱۵۷۱) ایمان به توحید، وحی و نبوت، به معنی انکار و نفی و طرد عناصر حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخاسته از نگرش‌های غیر توحیدی است؛ بنابراین تحول‌خواهی و انقلاب یک فرد یا جامعه مسلمان، تنها در مواجهه و رویارویی با بحران‌های سیاسی و اقتصادی منحصر نمی‌شود، بلکه گاه همین نگاه توحیدی و الهی، خود زمینه تعارض‌های جدی نظام‌های غیر اسلامی حاکم را با مسلمانان خالص و حقیقی برمی‌انگیزد. (طالقانی، ۱۳۶۰: ۵ / ۵۷) از همین روی، رشد بینش اسلامی و ایمان توحیدی، مردم مسلمان را به تدریج به سوی تعارض و مبارزه با نظام حاکم سوق می‌دهد تا جایی که دین الهی تحقق یابد. (انفال / ۳۹؛ طالقانی، ۱۳۶۰: ۴ / ۷ - ۶)

بر همین مبنا، انقلاب علیه وضع موجود می‌تواند جزء وظایف رسولان باشد. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۵۲؛ طالقانی، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۸۳) از این منظر، رسالت انبیاء، انقلابی علیه جنبه‌های منفی جامعه بوده است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴ / ۴۲۶) چراکه یکی از مسئولیت‌های عاملین رسالت، هدایت به سمت تغییر علیه وضع فاسد است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۰ / ۹۰) و پیامبران، همگی در میان خلق مشرک و ستمزده و مقهور، مبعوث شدند. (طالقانی، ۱۳۶۰: ۵ / ۶۶) لذا پیامبران موظف به انقلاب علیه وضع حاکم بوده‌اند. به فرمایش علی علیه السلام، خداوند پیامبران را برای آزادی و رهایی مردم از پرستش دیگران برانگیخت تا به بندگی حق تعالی برساند. از پیمان‌های (نادرست) با مردم، به پیمان خداوندی راه برد و از گردن نهادن به بندگانش دور سازد، پیرو او گردند، آنها را از سرپرستی مخلوقات بیرون آورد و تحت ولایت خود در آورد. (کلینی، ۱۳۶۴: ۸ / ۳۸۶) در قرآن آمده است که مؤمنان از رسول، پیروی می‌کنند که بار گرانیشان را از دوششان برمی‌دارد و بند و زنجیرشان را می‌گشاید. (اعراف / ۱۵۷)

از دیدگاه توحیدی، علاوه بر اینکه یک انسان مسلمان نمی‌تواند به نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی غیرمبتنی

بر وحی، باور داشته باشد و از آن پیروی کند، همچنین نمی‌تواند از هر کسی در نظام سیاسی جامعه تبعیت نماید و فرمان بپذیرد. ویژگی‌های خاصی که در قرآن کریم در مورد رهبران و زمامداران - به صراحت یا تلویحاً - مطرح شده، به انسان مسلمان اجازه نمی‌دهد که نسبت به شخص حاکم بی تفاوت باشد و از هرکسی فرمان بپذیرد. اطاعت یک فرد و جامعه مسلمان منحصر به خدا و رسول و اولی الامر است. (نساء / ۵۹) قرآن، اطاعت از فاسقان، ستمگران، جاهلان، هواپرستان، شهوت‌طلبان و دنیاخواهان را تجویز نمی‌کند. آیاتی از قرآن کریم که صریحاً با تعابیر «إِنْ تُطِيعُوا» (آل عمران / ۱۴۹ - ۱۰۰؛ شعرا / ۱۵۱؛ فتح / ۱۶؛ حجرات / ۱۴) و «لَا تَتَّبِعُوا» (بقره / ۱۶۸، ۲۰۸؛ نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۷۷؛ انعام / ۱۴۲، ۱۵۳؛ اعراف / ۳؛ نور / ۲۱) ویژگی‌های سلبی و ایجابی رهبران و زمامداران جامعه مسلمان را روشن کرده است، فرد یا جامعه مسلمان را به تلاش و مجاهدت برای استقرار حاکمیتی متناسب با این دستورهای قرآنی بر می‌انگیزد.

چنین نگرشی موجب نفی و طرد همه نظام‌ها و چارچوب‌های عملی غیردینی در زندگی اجتماعی و فردی یک مسلمان حقیقی می‌شود. از این دیدگاه، ایمان به وحی و نبوت و احکام شریعت، به معنی انکار و نفی و طرد عناصر حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخاسته از نگرش‌های غیر توحیدی است. نظام‌ها و مکاتب بشری، کفرآمیز و متعارض با اعتقاد به نبوت تلقی می‌شود، بنابراین در بُن اعتقاد یک فرد مسلمان، به صورت ارتكازی و اجمالی، مخالفت و تعارض بر هر نظام مبتنی بر دیدگاه‌های بشری و مستقل از وحی الهی نهفته است، هرچند این نظام اجتماعی، به ظاهر دموکراتیک و غیر ظالمانه به نظر برسد. بنابراین، تحول‌خواهی و انقلابی‌گری یک فرد یا جامعه مسلمان، تنها در مواجهه و رویارویی با بحران‌های سیاسی و اقتصادی منحصر نمی‌شود، بلکه گاه همین نگاه توحیدی و الهی، خود زمینه تعارض‌های جدی نظام‌های غیر اسلامی حاکم را با مسلمانان خالص و حقیقی بر می‌انگیزد.

زمینه‌های اجتماعی

به غیر از زمینه‌های بینشی که ممکن است منجر به وقوع انقلاب شوند، برخی زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری انقلابات نیز در قرآن مطرح شده است.

ظلم و ستم یکی از مهم‌ترین عناصری است که باعث برانگیختگی مردم و وقوع انقلاب می‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷ / ۱۰۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۵ / ۷۰) واژه ظلم با دیگر مشتقات آن، ۲۸۹ مرتبه در قرآن در معانی ستم، بیداد، بی‌عدالتی، حق را پایمال ساختن، تجاوز از حق و قرار دادن چیزی در جای نامناسب آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۳۷۳) منظور از ظلم در اینجا ظلم سیاسی به معنای ستم و تجاوز حاکم و یا طبقه حاکم بر زیردستان است. در تفسیر آمده است از آنجاکه گردنکشان و ظالمان پیوسته خواستار در اختیار داشتن سرنوشت ناتوانانند، تنها راه اصلاح جامعه و حفظ کرامت انسانی و حیثیت مسلمین،

انقلاب و ریشه‌کن کردن سردمداران فساد و ائمه کفر است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۸۱؛ طه / ۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۳ / ۱۸۶) مبارزه و انقلاب علیه ظلم و ستم، ویژگی حزب‌الله دانسته شده است. بر این اساس، در میدان زندگی دو حزب موجود است: حزب مستکبران و خودبزرگ‌بینان که از فرمانروایی ظلم راضی‌اند و دیگری حزب‌الله که انقلاب‌کننده علیه ظلم و جور هستند. (کهف / ۱۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۶۸) علاوه بر این، انقلاب و شوریدن علیه ستم، یکی از سنت‌های خداوند در عالم دانسته شده است؛ چراکه خداوند به عدل و داد فرمان می‌دهد و قائم به قسط است؛ بنابراین بنا به فرمان خداوند در قرآن، انسان می‌بایست بر اشکال مختلف ظلم و ستم شورش کند تا به پیروزی دست یابد. (کهف / ۱۶ - ۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۴۴)

از دیگر زمینه‌های وقوع انقلاب، فساد جوامع می‌باشد. از دیدگاه قرآنی، فساد، دامنه گسترده‌ای دارد و هر نوع ستم، گناه، کج‌روی، هدر دادن منابع و زیان رساندن به دیگران را دربر می‌گیرد. فساد و افساد در آیات مختلف قرآن مجید با گناهان دیگری که شاید غالباً جنبه مصداق دارد، ذکر شده‌اند. گاهی هم‌ردیف با جنگ با خدا و پیامبر آمده است؛ مانند «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» (مائده / ۳۳) و گاهی هم‌ردیف با هلاک کردن حرث و نسل (بقره / ۲۰۵)؛ و زمانی در کنار قطع پیوندهایی که خدا به آن فرمان داده است، مانند «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ» (بقره / ۲۷) و گاه در کنار برتری‌جویی و سرکشی قرار گرفته است. (قصص / ۸۳) قرآن گاه فرعون را مفسد می‌شمارد و به هنگام توبه کردن در حال غرق شدنش در نیل می‌گوید: هم اکنون ایمان می‌آوری درحالی‌که قبلاً گناه کردی و از مفسدان بودی (یونس / ۹۱) و گاهی به معنی بهم ریختن نظام عالم هستی و جهان آفرینش آمده است. (انبیاء / ۲۲)

از مجموع این آیات که در سوره‌های مختلف قرآن آمده استنباط می‌شود که فساد، یک معنی بسیار وسیع دارد که بزرگترین جنایات همچون جنایات فرعون و سایر جباران، و کارهای کمتر از آن را و حتی گناهانی همچون کم‌فروشی و تقلب در معامله را شامل می‌شود، و البته با توجه به مفهوم وسیع فساد که هرگونه خروج از حد اعتدال را شامل می‌شود، این وسعت کاملاً قابل درک است. لذا در تفسیری آمده است که تمامی نابسامانی‌ها و همه افراط و تفریط‌ها، گونه‌ای از فساد است. طبق مباحث یکی از مفسرین ذیل شرح داستان حضرت نوح علیه السلام، هرگاه قوم و ملتی فاسد شوند و دعوت ناصحان و مربیان الهی در آنها اثر نکند، حق حیات برای آنها نیست و سرانجام از طریق انقلاب‌های اجتماعی یا طبیعی، سازمان زندگی آنها نابود می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۹ / ۱۰۵) از این منظر، فساد حاکم و یا حتی افساد گروهی از مردم در جامعه می‌تواند منتج به وقوع انقلاب سیاسی گردد.

طبق بیانات قرآن کریم، مستضعفان، موظف به مبارزه با استضعاف و ستمگری هستند و اگر هیچ راهی

برای مبارزه نداشته باشند، لاقلاً باید به مهاجرت دست بزنند تا بتوانند در نقطه‌ای از زمین گسترده خدا، به زندگی مناسبی دست یازند. (نساء / ۹۷) طبق آیات ۱۹ الی ۲۲ سوره قصص، حضرت موسی علیه السلام هنگامی که از جانب فرعونیان احساس خطر کرد، از شهر خویش خارج شده و هجرت نمود. در تفسیر این آیات بیان شده است که تحرک و هجرت نیز از لوازم یک انقلاب است. (قرآنی، ۱۳۷۴: ۹ / ۳۵) القای روحیه ظلم‌ستیزی و ممنوعیت ظلم‌پذیری، در روایات اسلامی هم فراوان مطرح شده، چنان‌که ستم‌پذیری در ردیف ستمگری قرار گرفته است. (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۶ / ۵۷ - ۵۵)

زمینه‌های اقتصادی

مسائل اقتصادی از دیگر مباحثی است که به عنوان زمینه انقلاب می‌توان به آنها اشاره نمود. بر این اساس، اقتصاد ناسالم و مبادلات مالی نادرست میان مردم ممکن است منتج به انقلاب گردد. یکی از مصادیق اقتصاد ناسالم تصرف باطل و ناحق در اموال مردم است. خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء بیان می‌دارد که اموال یکدیگر را به ناحق مخورید و یکدیگر را مکشید. در تفسیر این آیه بیان شده است که توالی این دو حکم در یک آیه بیانگر آن است که وجود روابط ناصحیح اقتصادی میان مردم، انتحار شخصی را افزایش خواهد داد و همچنین ممکن است به انتحار اجتماعی و یا انقلاب منجر گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳ / ۳۵۷)

وجود ربا یکی دیگر از مشکلات اقتصادی در یک جامعه قلمداد شده است. در آیه ۲۷۵ سوره بقره، رباخواران، فریب‌خوردگان شیطان معرفی می‌شوند که عاقبتشان جاودانگی در آتش جهنم است. لذا ربا نیز می‌تواند زمینه انقلابات را فراهم آورد. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵ / ۱۲۹) در تفسیری بیان شده است که ربا از سویی سبب پدید آمدن شکاف اجتماعی و شکل‌گیری دو طبقه سودپرست و ستمگر و خشن و طبقه ستم‌زده و رنجور می‌شود که این صف‌بندی اجتماعی، خود سرآغاز ستیزه و انقلاب می‌گردد (طالقانی، ۱۳۶۰: ۲ / ۲۵۳ - ۲۵۲) و از سویی دیگر از آنجاکه شخص رباخوار به استثمار طبقات زیردست می‌پردازد، غارت دسترنج زیردستان سبب دشمنی آنان شده و به انقلابات و انفجارهای اجتماعی منجر می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲ / ۳۶۶)

ثروت‌اندوزی، تمرکز ثروت و انحصار ثروت نیز به عنوان زمینه‌های اقتصادی انقلاب مطرح شده است. از این منظر، تمرکز ثروت در یک طبقه اجتماع، سبب بروز اختلاف گردیده و نهایتاً جامعه را دستخوش انقلاب می‌کند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۱۰) یکی از مفسرین، ذیل آیه ۴۳ سوره بقره که بر پرداخت زکات امر می‌کند، انباشت ثروت را به سبب ایجاد حسادت در غالب طبقات، عامل وقوع انقلاب دانسته است. (همان: ۱ / ۱۴۱) در تفسیری دیگر، با اشاره به داستان صاحبان باغستان در سوره قلم، به این نکته اشاره شده است که انحصار ثروت در دست گروهی محدود و محروم کردن نیازمندان، آه محرومان را در پی دارد که چه‌بسا در قالب انقلاب‌ها، شکلی عینی به خود بگیرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۴ / ۴۰۵)

غایت انقلاب

درباره غایت انقلاب، نظرات گوناگونی موجود است. برخی، انقلابات را پدیده‌ای مطلقاً مثبت ارزیابی کرده و هرگونه انقلابی را رو به رشد تلقی می‌نمایند. مارکسیست‌های انقلابی که در دهه‌های اولیه قرن بیستم ظهور کردند، بر این باور بودند که رشد کشورهای اروپایی تنها به واسطه انقلاب حاصل می‌شود. (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱ / ۶۴) در سوی دیگر، انقلابات، از سوی افرادی نظیر ادموند برک و مکاتیبی نظیر محافظه‌گرایی، پدیده‌ای منفی تلقی شده‌اند که غیر از تخریب و از بین بردن ساختارهای جامعه، دستاورد دیگری ندارند. (همان: ۲ / ۱۷۶) اما طبق تفاسیر برخی مفسرین، قرآن، غایت انقلابات را به نیت انقلابیون مرتبط می‌داند. اگر انقلاب برای خدا باشد، در جهت رشد و تعالی است. انقلاب برای خدا نیازمند سه عنصر است: خلوص نیت، رهبری الهی، برنامه و فکر جامع. (سبأ / ۴۶؛ قرآنی، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۵۹) در این صورت، انقلاب رو به پیش بوده و شکوفایی جامعه در تمامی ابعاد را در پی دارد. اما اگر انقلابی برای خدا نبوده و برخاسته از عقده‌ها، هوس‌ها و برای کسب ثروت و قدرت باشد، انقلابی ارتجاعی محسوب می‌شود که نتیجه‌اش تنها زیان و خسران است. (آل‌عمران / ۱۴۹؛ طالقانی، ۱۳۶۰: ۵ / ۳۷۶)

رهبری انقلاب

از منظر سیاسی، انقلاب‌ها زمانی شکل سازمانی به خود می‌گیرند که یک رهبر در رأس آن وجود داشته باشد. رهبری در همه فرآیندها، سازماندهی‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و جریان‌های اجتماعی در کنار عواملی چون زمینه‌ها، شرایط اجتماعی و باورهای مردم، نقش اصلی را در به بار نشستن اهداف و آرمان‌های انقلاب دارد. طبق بیانات مولای متقیان، جایگاه رهبر در اجتماع، جایگاه رشته‌ای است که دانه‌ها را به هم پیوند داده و جمع می‌کند. (نهج‌البلاغه، ۱۴۶) پیش‌تر بیان شد که غایت مطلوب انقلاب، مستلزم امامت انقلاب به واسطه رهبری الهی است. (قرآنی، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۵۹) در قرآن کریم درباره اهمیت ولایت، امامت و رهبری مطالب متعددی بیان شده است. یکی از مفاهیم مرتبط با رهبری در قرآن، ولایت است که به فتح «او» به معنای محبت و با کسر «او» به معنای امارت و رهبری است. گفته می‌شود که هر دو لغت به معنای «دولت» است و «ولی» کسی است که دارای نصرت و معونت است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۴۵۵) ولایت به تدبیر، قدرت و «فعل» دلالت دارد و تا هنگامی که این سه ویژگی در کسی جمع نشود، به او ولی نمی‌گویند. (ابن‌منظور، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۴۰۷) در معنای سیاسی - اجتماعی، این مفهوم به «سرپرستی» و «رهبری» تعبیر شده است. از این منظر «رهبر» شخصی است که در جامعه اسلامی دارای ولایت است و شخصیتی است که به سبب استعدادها، مکارم و سجایای برجسته خود، نقش عمده‌ای در ارشاد ملت ایفا کرده و دیگران نیز او را به رهبری قبول دارند. (آقابخشی، ۱۳۸۳: ۳۱۸)

خداوند در قرآن می‌فرماید: ولی و سرپرست شما، خداوند، رسول او و کسانی هستند که ایمان آورده‌اند،

آنان که نماز بر پا می‌دارند و درحالی که در رکوع‌اند، صدقه می‌دهند. (مائده / ۵۵) و ضمن سرزنش کسانی که به جز خداوند سرپرستانی برای خود برگزیده‌اند، تأکید می‌شود که همانا تنها خداوند، صاحب ولایت است (شوری / ۹) از این رو پذیرش هر حاکمیتی جز خداوند، ناپسند است و بندگان را امر می‌کند که به جز او نپرستند. (یوسف / ۴۰) پس رهبران الهی دیگری که با سطوح مختلف در جوامع وجود داشته و دارند، پرتوی از ولایت الهی‌اند. مفهوم دیگری که در این زمینه در قرآن وجود دارد، مفهوم امام است. «امام» یعنی کسی که به او اقتداء می‌شود. (ابن‌منظور، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۲۴) از ویژگی‌های امام آن است که مردم را به سوی اهداف و آرمان‌های الهی راهبری می‌کند. (انبیاء / ۷۳؛ سجده / ۲۴) در بسیاری از موارد که خداوند به امامت می‌پردازد، همراه آن «هدایت» به امر الهی را به عنوان تفسیر آن به کار می‌برد: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا». (انبیاء / ۷۳)

پس ولایت معنوی و سیاسی جامعه، تنها از خداوند است و سپس به پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و منصوبین الهی می‌رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵ / ۶) ویژگی‌ها و شاخصه‌های این نوع رهبری از برخی آیات قرآن کریم قابل استخراج و استنباط است: از منظر قرآن، رهبری الهی به هدف و مکتب ایمان دارد (بقره / ۲۸۵)؛ در اصول قاطع است (کافرون / ۶)؛ همراه با مستضعفان است (کهف / ۲۸) و بر طریق عدل و داد حرکت می‌کند. (بقره / ۱۲۴)؛ در برابر افراد نادان و گنهکار نرمش و انعطاف دارد و در مصالح جزئی حاضر به مصالحه است (آل‌عمران / ۱۵۹)؛ متواضع است (حجر / ۸۸) و سعه صدر دارد (انشراح / ۱)؛ پیشگام است (زمر / ۱۲) و برداشتن قیدها، بندها و خرافات را وظیفه خود می‌داند. (اعراف / ۱۵۷) چنین رهبری، از آنجاکه در راستای ولایت الله حرکت می‌کند دارای مطلوبیت است و بنا بر آیات قرآن، تنها چنین فردی است که با رهبری خود می‌تواند جامعه را از ظلمت به روشنایی و به جامعه‌ای متعالی هدایت نماید.

آسیب‌شناسی انقلاب

انقلابات پس از وقوع ممکن است به آفات و آسیب‌هایی مبتلا گردند که مسیر انقلاب را دستخوش انحراف سازند. در قرآن کریم آیاتی موجود است که به نظر می‌رسد در زمینه آسیب‌های انقلاب قابل طرح باشد. آیه ۱۴۱ سوره نساء که نسبت به فرصت‌طلبی منافقان هشدار می‌دهد، از جمله این آیات است. در این آیه آمده است که:

منافقان همان‌ها هستند که پیوسته انتظار می‌کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم؟ (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم!) و اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد، به آنان می‌گویند: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم؟ (پس با شما شریک خواهیم بود!)

از این آیه استنباط می‌گردد که پس از فتوحات که شامل انقلابات نیز می‌شود، افرادی منافق با رویکردی فرصت‌طلبانه به دنبال منافع و مطامع خویشند که می‌بایست نسبت به آنها هوشیار و آگاه بود.

دیگر مشکلی که می‌تواند پس از انقلاب در جامعه به وجود آید، درگیری، نزاع و ایجاد تفرقه میان انقلابیون است. تفرقه از ماده «فرق» به معنای پراکنده کردن و جدا جدا کردن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۱۴۷) و «تَفَرُّقٌ» به معنای پراکنده شدن، جدا جدا شدن و گراییدن به فِرَق است. (ابن منظور، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۲۹۹) تفرقه و تَفَرُّق در مقابل وحدت و اتحاد به کار رفته است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۲۲۴) قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: نزاع مکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود. (انفال / ۴۶) در قرآن کریم القاء اختلاف و تفرقه‌افکنی از اعمال فرعون و فرعونیان دانسته شده (قصص / ۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۸) و یکی از نشانه‌های شرک، تفرقه عنوان شده است. (روم / ۳۱ و ۳۲) از این روی خداوند، پیامبر ﷺ را خطاب قرار داده و بیان می‌دارد آنها که آئین و مذهب خود را پراکنده کردند و به دسته‌های مختلف تقسیم شدند، در هیچ چیز با آنها ارتباط نداری و آنها نیز هیچ‌گونه ارتباطی با مکتب تو ندارند. (انعام / ۱۵۹) در سیره ائمه علیهم‌السلام نیز تفرقه و تفرقه‌افکنان، گناهکار تلقی شده‌اند. امام علی علیه‌السلام، نسبت به گروه خوارج که موجب تفرقه در میان سپاه آن حضرت شدند و با شعارهای فریبنده، فرقه‌ای جدا تشکیل داده بودند، اظهار بیزارى نموده و امر به کشتن دعوت‌کنندگان به تفرقه یعنی خوارج می‌کند. (نهج‌البلاغه، ۱۲۷)

سستی، نزاع و نافرمانی از رهبری الهی نیز از آفت‌هایی است که می‌تواند حتی منجر به شکست یک انقلاب شود.

آیه ۱۵۲ سوره آل عمران به دلایل شکست مسلمانان در جنگ احد پرداخته و بیان می‌دارد:

خداوند، وعده خود را به شما، (درباره پیروزی بر دشمن در احد) تحقق بخشید در آن هنگام (که در آغاز جنگ) دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رساندید (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید و (بر سر رهاکردن سنگرها) در کار خود به نزاع پرداختید و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید.

در تفسیری بیان شده است که این آیه مثالی است برای آینده جامعه اسلام و خطری است که برای همیشه مسلمانان را تهدید می‌نماید و می‌بایست از آن برحذر بود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۲۸)

نتیجه

قرآن کریم مستقیم و به صراحت در باب انقلاب به معنای مصطلح آن نظری ارائه نکرده است. ولی با کاوش در مفاهیم قرآنی ناظر به ضرورت‌ها و زمینه‌های اجتماعی و عناصر فکری و مفهومی انقلاب، می‌توان دیدگاه قرآن را در باب انقلاب استنباط کرد. نتیجه این کاوش و تأمل این است که قرآن کتاب انقلاب است. قرآن کریم نه تنها به راهنمایی و ارائه مبانی نظری برای ضرورت انقلاب در شرایط لازم می‌پردازد، بلکه نگرش و انگیزش لازم برای حرکت انقلابی را در مخاطب مؤمن ایجاد می‌کند و با نظام کارساز تربیتی ویژه خود و پرورش انسان‌های

متفکر، مؤمن و مجاهد، نیروی انقلابی لازم را در راستای تحول بنیادین جامعه و تغییر نظم و نظام شرک‌آمیز و ظالمانه به سوی نظام توحیدی و عادلانه فراهم می‌سازد.

البته قرآن کریم در اندیشه انقلاب به معنای مصطلح آن متوقف نمی‌شود و تحقق انقلاب را آخرین و نهایی‌ترین کارکرد خود نمی‌داند. بنابراین نمی‌توان تنها از راه تطبیق مفهومی یا تطبیق مصداقی دیدگاه قرآن را در باب انقلاب بدست آورد، بلکه با روش «تجزیه و بررسی عناصر مفهومی» و کشف و استنباط آنچه در نظریه انقلاب و در عرصه عمل برای تحقق انقلاب ضروری است، از آیات قرآن کریم دیدگاه مثبت و برانگیزنده آن بدست می‌آید.

جایگاه قرآن کریم که تجلی حکمت و علم و هدایت حضرت حق (جلّ و علا) است و از علو و برتری مطلق نسبت به هر کلام و سخن دیگری برخوردار است، رهنمودهای آن را فراتر از هر چارچوب اندیشه‌ای ساخته ذهن بشر، راهنمای ذهن و دل و هدایت‌گر عمل انسان مؤمن می‌سازد.

این ذخیره پایان‌ناپذیر در هر دوره‌ای از رشد و پیشرفت انسان‌ها در هر عرصه‌ای، نشانه‌های تازه هدایت را عرضه می‌کند و اراده حکیمانه رب ودود را برای دستیابی انسان‌های پاک به خلافت الهی، محقق می‌سازد، که: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ». (واقعۀ / ۷۹ - ۷۷)

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۸۳، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.
۲. آقابخش، علی و مینو افشاری‌راد، ۱۳۸۳، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، چاپار.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۹، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر.
۴. بدن، لوثی، ۱۳۵۶، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، تهران، مروارید.
۵. بشیریه، حسین، ۱۳۸۳، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران، نشر نی.
۶. بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۰، *همگام با وحی: تفسیر تنزیلی*، قم، تمهید.
۷. ثقفی‌تهرانی، محمد، ۱۳۷۶، *تفسیر روان جاوید*، تهران، برهان.
۸. جعفرپور، رشید، ۱۳۹۰، *فرهنگ سیاسی در ایران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۹. حسینی همدانی، سیدمحمد، ۱۴۰۴، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران، لطفی.

۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، *وسائل الشیعة*، قم، آل البیت.
۱۱. ژید، شارل ریست، ۱۳۸۰، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی، تهران، مؤسسه انتشارات تهران.
۱۲. سید بن قطب، بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
۱۳. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۰، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷، *المیزان*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طبرانی، سلیمان ابن احمد، بی تا، *معجم الکبیر*، دمشق، مکتبه ابن تیمیه.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه المرتضویه.
۱۷. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
۱۸. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۹، *رهیافت های نظری بر انقلاب اسلامی*، قم، معارف.
۱۹. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۹، *کتاب العین*، قم، دارالهجرة.
۲۰. فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
۲۱. قرائتی، محسن، ۱۳۷۴، *تفسیر نور*، قم، مؤسسه در راه حق.
۲۲. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بعثت.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۴، *الروضة من الکافی*، ترجمه هاشم رسولی، تهران، علمیه اسلامیة.
۲۴. محسنی، منوچهر، ۱۳۶۳، *جامعه شناسی عمومی*، تهران، پژوهشیار.
۲۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۶۵، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر.
۲۶. مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
۲۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا.
۲۸. _____، ۱۳۸۱، *نهضت های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران، صدرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. نوروزی خیابانی، مهدی، ۱۳۸۳، *فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی*، تهران، نشر نی.
۳۱. هیشمی، نورالدین علی ابن ابی بکر، ۱۹۶۷، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت، دارالکتب العربی.